

# مصدق، نفت و سیاست موازنه منفی

۲۸ مرداد امسال چهل و پنجمین سال کودتای ننگین علیه دولت ملی دکتر محمد مصدق است. کودتایی که زمینه را برای استمرار غارت منابع ثروت این ملت، و به ویژه نفت و گاز، هموار کرد.

بسیاری از افراد، و به ویژه نسل جوان، تاریخ نهضت ملی و مبارزه برای قطع ید از بیگانگان را منحصر به سال‌های آخر دهه بیست و در سال اول دهه سی قرن هجری - خورشیدی کنونی می‌دانند، در حالی که به واقع شادروان مصدق مبارزه خود را برای کوتاه کردن دست بیگانگان از منابع ملی ایران در بحبوحه جنگ دوم جهانی، و در شرایطی که خاک میهن ما در اشغال نیروهای متفقین بود، آغاز کرد. این نوشتار سابقه این مبارزه را بازگو می‌کند.

نوشته دکتر پرویز ورجاوند

نخستین گام در کار ملی کردن صنعت نفت، راه به سال ۱۳۲۳ می‌برد، زمانی که دکتر مصدق پا به میدان گذارد تا از واگذاری نفت جنوب شرق ایران به انگلیس و آمریکا و نفت شمال به شوروی جلوگیری کند و «سیاست موازنه منفی» را پایه گذارد.

موقعیت بسیار حساس و مهم استراتژیک ایران از یک سو و وجود نفت و منابع غنی دیگر در این سرزمین همیشه عاملی به شمار می‌رفته تا در هر رویداد عمده‌ای، ایران به گونه‌ای درگیر بگردد. شروع جنگ دوم جهانی و گسترش یافتن آن تا مرزهای ایران سبب شد تا انگلستان و شوروی به اعتبار همگامی‌های تاریخی روس و انگلیس از دو سو ایران را مورد تجاوز قرار دهند و آن را به اشغال خویش درآورند. گذشته از نقش مهم ایران در رسانیدن اسلحه و کمک‌های لجستیکی به روسیه، نفت ایران در آن زمان در منطقه خاورمیانه از مهمترین توانایی‌ها برخوردار بود و پالایشگاه آبادان بزرگترین پالایشگاه جهان محسوب می‌شد. با توجه به

کشیده شدن نبرد به آسیای جنوب شرقی و سپس شمال آفریقا، نفت ایران مهم‌ترین منبع انرژی برای گردونه ماشین جنگی متفقین به شمار می‌رفت، به گونه‌ای که تولید آن در طی دو سال از ۷,۵۲۳,۰۰۰ تن در سال ۱۹۴۳ به ۱۶,۸۳۹,۰۰۰ تن در سال ۱۹۴۵ افزایش



یافت و به بیان دیگر ثروت ملت ایران عامل مؤثر توفیق متفقین در جنگ شد، پدیده‌ای که کمتر از آن یاد شده است. در جریان جنگ جهانی دوم، انگلستان با در اختیار داشتن نفت ایران، عراق و نیمی از نفت کویت صاحب ۷۸ درصد نفت خاورمیانه بود در حالی که آمریکا با در اختیار داشتن نفت عربستان و نیمی از نفت کویت فقط صاحب ۱۶ درصد از نفت این منطقه بود. آمریکا در حالی که خود بزرگترین تولیدکننده نفت جهان بود با بررسی‌های انجام شده می‌دانست که تا چند دهه دیگر این موقعیت را از دست خواهد داد و از این رو استراتژی آن بر این قرار داشت که هر چه بیشتر در نفت خاورمیانه و حوزه خلیج فارس مشارکت داشته باشد. از این رو در همان دوران جنگ

انگلستان را زیر فشار قرار داد و در فاصله چند ماه در سال ۱۹۴۶ موفق به عقد دو قرارداد با شرکت نفت ایران و انگلیس شد که براساس آن در مجموع به مدت ۴۰ سال می‌توانست ۱۷۵/۵ میلیون تن از منابع نفت ایران را در اختیار داشته باشد. ولی این همه آن چیزی نبود که آمریکا به دان چشم دوخته بود. آمریکا بر آن بود تا خود در ایران صاحب امتیاز باشد، از این رو در جریان جنگ در اسفند سال ۱۳۲۲، زمانی که آگاهی یافت دولت انگلیس برای کسب امتیاز بهره‌برداری در ناحیه جنوب شرقی ایران در تلاش است، نماینده‌ای از سوی شرکت «استاندارد واکيوم» به تهران فرستاد و برای به دست آوردن امتیاز در همان منطقه سیستم و بلوچستان پیشنهادهایی را به دولت ایران تقدیم کرد.

دولت ساعد بدون توجه به شرایط سیاسی کشور و حضور ارتش‌های بیگانه با فرستادگان آمریکایی به گفت و شنود پرداخت. دولت شوروی موقع را مناسب دید و هیأتی را به سرپرستی کافتارادزه در شهریور ۱۳۲۳ برای مذاکره در باره نفت شمال ایران به تهران فرستاد. کافتارادزه با اطمینان خاطر از پشتیبانی‌های حزب توده در یک مصاحبه مطبوعاتی خواسته‌های دولت شوروی را بیان کرد. دولت ساعد که خود را در برابر درخواستهای انگلستان، آمریکا و شوروی و پاسخ‌گویی به آنها ناتوان می‌دید، صلاح کار را در این دید که مذاکرات پشت پرده را در مجلس علنی کند و یادآور شود که با توجه به شرایط موجود، دولت ایران ترجیح می‌دهد تا مذاکره برای دادن هرگونه امتیازی را به پایان جنگ موکول بسازد. ساعد با این پاسخ بر آن بود تا خود را از مخمصه برهاند و فرصت لازم را برای سبک و سنگین کردن پیشنهادهای به دست آورد. دولت شوروی با توجه به حضور نیروهای

نظامی‌اش در ایران و تکیه داشتن بر حمایت‌های گسترده حزب توده حاضر نبود تا فرصت مناسب را از دست به دهد. از این رو کافتارادزه بار دیگر به مصاحبه مطبوعاتی پرداخت و قلدراً بانه اتخاذ سیاست مزبور را «رویه‌ای درجهت تیرگی مناسبات دو کشور ایران و شوروی» دانست. او به این ترتیب می‌خواست دولت را به ادامه حضور نیروهای شوروی در خاک ایران تهدید کند. او گفت: «... دولت جناب آقای ساعد، به نفع تصمیم اتخاذی خود هیچگونه دلیل قانع‌کننده‌ای نیاورده، در صورتی که دلایل محکمی بر علیه تصمیم فوق وجود دارد که به مصالح حیاتی و سیاسی ایران مربوط است...» (۱)

در پی این اظهارات حزب توده پا به میدان گذارد و با حمایت بی‌چون و چرا از خواست دولت شوروی، دولت ساعد را مورد حمله قرار داد و برای وادار کردن آن به قبول درخواست شوروی، در روز پنجم آبان ۱۳۲۳ با همکاری شورای متحده مرکزی کارگران که از وابستگان به شوروی و حزب توده بود یک راهپیمایی در تهران برپا کرد.

#### موضع‌گیری مصدق

دکتر مصدق که نگران منافع ملی ایران بود دو روز بعد در جلسه علنی مجلس با سخنان هوشمندانه خودبه‌اصل امتیاز دادن در هر زمان و طی هر شرایطی و به هر کشوری حمله کرد و در ضمن مخالفت کردن با واگذاری امتیاز نفت شمال به روسها، با دادن هرگونه امتیاز بهره‌برداری به آمریکا نیز به مخالفت برخاست و به شدت به تجدید امتیاز ۱۹۳۳ با انگلستان حمله کرد. او در سخنان خود چنین موضع‌گیری کرد:

«... اگر آقای نخست‌وزیر فعلی به شرکت‌های آمریکایی گفته بودند، مادام که جنگ تمام نشده و مادام که قشون آمریکا از مملکت خارج نشده، دولت داخلی مذاکره نمی‌شود، سفارت آمریکا چه می‌کرد؟ اگر نخست‌وزیران ما پیشنهاد شرکت را مورد توجه قرار نمی‌دادند، دولت شوروی هرگز از ما تقاضای امتیاز نمی‌کرد. وقتی از آن طرف

دنیا دولت آمریکا تقاضای امتیاز کند، دولت شوروی که همسایه ما است چرا نکند؟ آنهایی که می‌گویند اعطای امتیاز به شرکت‌های تابعه دولت آمریکا، از این لحاظ که آن دولت با ما مجاور نیست خالی از ضرر است، در اشتباهند. تنها عدم مجاورت دلیل نیست که دادن امتیاز به آن دولت و یا به شرکت آمریکایی برای ما ضرر نکند. آمریکا دولتی نیست که مجاورت

**مصدق: اگر متفقین  
در تسخیر محادن  
ایران باهم توافق  
کنند و هرکدام برای  
خود از این نمد کلاهی  
بفروشند ما باید آن را  
به وسعت کلاه هر یک  
تقسیم کنیم**

یا عدم مجاورت آن با ما فرق کند ... (دکتر مصدق با حمله به تجدید قرارداد داری در سال ۱۹۳۳ و لطمه‌هایی که از آن رهگذر بر منافع ایران وارد گردیده نظر قاطع خود را این چنین بیان داشت): آقایان نمایندگان، من با دادن هر امتیاز، از نظر اقتصادی و سیاسی مخالفم. چون تفکیک مسائل سیاسی از اقتصادی مشکل است و این دو سیاست با هم بستگی تام دارد، هرکجا اقتصاد صدق کند، سیاست هم غالباً صادق است و از حقوقی که برای ساختن خط آهن و بندر و تلفن و تلگراف بی‌سیم و موسسه هواپیمایی که در ماده ۱۵ امتیازنامه جدید (۱۹۳۳) به کمپانی داده، نه تنها در امور اقتصادی، بلکه در امور سیاسی هم می‌توان استفاده نمود، پس لزومی ندارد که

ما به شرکتی که تابع یک دولت خارجی است و یا به یک دولت امتیاز به دهیم، تا اینکه در مملکت ما احداث این قبیل مؤسسات کنند و در خاک ایران دولتهای دیگری تشکیل دهند...» (۲)

حزب توده و سران سرسپرده آن به شوروی، به شدت در برابر دکتر مصدق و مخالفت او با دادن امتیاز به آمریکا و شوروی و تأکیدش بر روش سیاست «موازنه منفی» به موضع‌گیری پرداختند و احسان طبری، تئوریسین آن حزب در روزنامه «مردم برای روشنفکران» در نهایت بی‌پروایی از واگذاری امتیاز به شوروی در شمال و انگلیس و آمریکا در جنوب دفاع کرد و آن را ضروری دانست. نوشته او چنین است:

«... همان طور که غالباً متوجه هستند، همراه هر نفوذ اقتصادی یک نفوذ سیاسی خواهد بود... آقای دکتر مصدق فرمول «توازن منفی» را برای این کار درست کردند. دلیل ایشان این است که چون امتیاز اقتصادی مقدمه اعمال نفوذ سیاسی است، باید با عدم اعطای امتیاز مانع اعمال نفوذ شد. این منطق به هیچ وجه صحیح نیست، زیرا فقط از طریق امتیاز نفت نیست که دولتها اعمال نفوذ می‌کنند. توازن منفی در اینجا در حقیقت همان سیاست یکطرفه است، زیرا با عدم اعطای امتیاز نفت از نفوذ اقتصادی دولت شوروی جلوگیری می‌شود ولی نفوذ و قدرت سیاسی دولتهای دیگر، که ریشه‌های کهنه و سوابق ممتد دارند، همچنان باقی خواهد ماند ... نظریه دسته دیگر، بین‌المللی کردن استخراج است، از قرار، همین نظریه هدف کسانی است که به اتخاذ روش ضد شوروی علاقه دارند، ولی باید برای اولین و آخرین بار به این حقیقت پی برد که نواحی شمال در حکم حریم امنیت شوروی است و این دولت هرگز حاضر نخواهد شد که در آنجا به نام نفت دستگاه خصمانه مفصلی بر علیه او چیده شود ... و بالاخره عقیده دسته سومی که من شخصاً در آن دسته قرار دارم این است که دولت به فوریت برای امتیاز نفت شمال به

شوروی و نفت جنوب به کمپانیهای آمریکایی و انگلیس وارد مذاکره شود...» (۳)

ملاحظه می‌کنید که در برابر دیدگاه ملی «سیاست موازنه منفی» دائر بر ندادن امتیاز به هیچ دولت قدرتمند در کشور، کمونیست‌های سرسپرده ایرانی جانبدار «سیاست موازنه مثبت» به سود شوروی، انگلستان و آمریکا بوده‌اند و بر اجراء آن پا می‌فشرده‌اند و رهبر ملی‌گرایان ایران دکتر مصدق را که آگاهانه با واگذاری هرگونه امتیاز به بیگانگان مخالفت می‌کرد، به شدت مورد حمله قرار می‌دادند. جالب این که در آن دوران جز از مصدق و پس از آن یاران وفادارش در جبهه ملی، از هیچ گروه و نهادی هیچ صدایی برخاست و زمانی که او در برابر آمریکا موضع گرفت هیچ جریانی خود را با آن درگیر نکرد.

#### هدف‌های واقعی مصدق

دکتر مصدق که از حس موقع‌شناسی ویژه‌ای برخوردار بود در پی استعفای ساعد و انتخاب بیات به نخست‌وزیری در روز یازدهم آذرماه ۱۳۲۳ که برنامه دولت در مجلس مطرح بود با ایراد سخنانی دائر بر مخالفت با واگذاری امتیاز و تشریح نظریه «سیاست موازنه منفی» طرح دوفوریتی خود را برای منع واگذاری امتیاز نفت به بیگانگان به مجلس تقدیم کرد و در حالی که همه را غافلگیر ساخته بود تقاضا کرد که در همان جلسه آن را بررسی و تصویب کنند. او با نکته‌سنجی چنین بیان داشت:

«... راه استخراج نفت منحصر به امتیاز دادن نیست و به طریق دیگر هم خود دولت می‌تواند معادن نفت را استخراج کند. ما هر قدر در استخراج آن تأخیر کنیم، به دول قوی مجال می‌دهیم که از خود رفع محذور کنند و از ما امتیاز بخواهند. آنهایی که می‌گویند مذاکرات نفت به بعد از جنگ محول شود یا از درک حقایق عاجزند و یا اینکه عقیده‌ای از خود ندارند، ولی آنهایی که اهل تشخیصند و نماینده این ملتند، می‌دانند که تأخیر موجب زیان است. اگر متفقین در تسخیر معادن ایران با هم توافق کنند و



در بحبوحه جنگ جهانی دوم هنگامی که روزولت و چرچیل پنهانی بر سر تقسیم منافع در دنیای پس از جنگ توافق می‌کردند و استالین نیز برای خود نقشه می‌ریخت، شادوران مصدق با تکیه بر نظریه موازنه منفی مانع تقسیم منابع ملی ایران، و به ویژه نفت، شد.

هر کدام برای خود از این نمد کلاهی بخواهند، ما باید آنرا به وسعت کله هر یک تقسیم کنیم و هر قسمت را در طبق اخلاص بگذاریم و با کمال خضوع و خشوع تقدیم نماییم و خود را مرهون نوع پرستی و بشردوستی آنها بدانیم. پس تا چنین روزی نرسیده است باید هر چه زودتر تصمیمی را که حافظ منافع ما است اتخاذ کنیم و مجال ندهیم که از نمد ما، برای خود کلاه بسازند...» (۴)

مصدق که می‌دانست متفقین تا چه حد برای نفت ایران ارزش قائل هستند با توجه به نفوذ دربار و اعضاء هیأت حاکمه از یکسو و قدرت بلوا آفرین حزب توده با حمایت ارتش سرخ از سوی دیگر، نگران آن بود که اگر تصویب طرح به جلسه بعد موکول بگردد، همه چیز می‌تواند اتفاق بیفتد از این رو در موقع تقدیم طرح دوفوریتی با نگرانی اعلام کرد: «... هرگاه امروز این کار نشد، دیگر جلسه‌ای منعقد نخواهد شد که این طرح را تصویب کنند. نفت چیزی نیست که دولتهای بزرگ

صرف نظر کنند...» او می‌دانست که با شلیک یک گلوله و ایجاد یک بلوا همه چیز به هم خواهد خورد و در جوی که به وجود خواهد آمد احتمال آن که کلیات واگذاری امتیاز به سه قدرت زمان به تصویب برسد بعید نخواهد بود. مصدق همه آنهایی را که می‌خواستند یا دربار و سفارتخانه‌ها مشورت کنند غافلگیر ساخت و با سخنان کوبنده خود مجلس را وادار کرد تا با وجود مخالفت سرسختانه نمایندگان فراکسیون حزب توده، به طرح مزبور رأی بدهند.

ماده اول و اصلی طرح مزبور عبارت بود از: ماده اول - هیچ نخست وزیر، وزیر و اشخاصی که کفالت از مقام آنها و یا معاونت می‌کنند نمی‌توانند راجع به امتیاز نفت با هیچیک از نمایندگان رسمی و غیررسمی دول مجاور و یا نمایندگان شرکتهای نفت و هر کس غیر از اینها، مذاکراتی که اثر قانونی دارد بکنند و یا اینکه قراردادی امضاء نمایند.

کافتارادزه نماینده دولت شوروی بعد از تصویب طرح با حضور برخی از روزنامه‌نگاران و

برخی از نمایندگان مجلس سخنانی در مخالفت با تصویب طرح بیان داشت و آن را یک «عمل اشتباه» خواند و روز بعد با اعتراض تهران را به سوی مسکو ترک گفت.

تصویب طرح جلوگیری از واگذاری امتیاز به بیگانگان از یکسو ضربه سنگینی بر دربار و عوامل وابسته به سیاست انگلستان و حامیان آمریکا وارد ساخت و از سوی دیگر حزب توده و همه کمونیست‌های وابسته به شوروی را به نشان دادن واکنش‌های سخت و ادا ساز ساخت. پیشه‌وری عامل دست نشانده شوروی و رهبر بعدی فرقه دمکرات آذربایجان با بیش‌مانه‌ترین کلمات سه روز بعد مصدق را در روزنامه آذیر (۱۴ آذر ۱۳۲۳) این چنین مورد حمله قرار داد:

«... شما به املاک و دارایی خود بیش از منافع ملت علاقه دارید، شما از بزرگترین مالکین این کشور می‌باشید، اغلب لویایح تقدیمی شما به مجلس روی حفظ طبقه مالکین بوده است. شما از آزادی ملت می‌ترسید. شما از دوستی اتحاد جماهیر شوروی بیمناک می‌باشید، شما اگر واقعاً ملت پرست هستید و واقعاً می‌خواهید فداکاری کنید، بفرمایید، این گوی و این میدان، امتیاز مضر داری را لغو کنید. شما واقعاً اینقدر ساده هستید که خیال می‌کنید خواهند گذاشت شما با سرمایه داخلی، نفت استخراج کنید، خودتان هم می‌دانید این شدنی نیست...»

گامهای بلند و توانای بعدی دکتر مصدق نشان داد که عزم و پایداری یک ملت می‌تواند

## احسان طبری: دولت به فوریت برای دادن امتیاز نفت شمال به شوروی و نفت جنوب به کمپانیهای آمریکایی و انگلیسی وارد مذاکره شود.

بعد بتوان در این راستا ملی کردن نفت جنوب را مطرح و به نتیجه رسانید. بدون شک اگر مصدق موفق به تصویب طرح ضد امتیاز خود نمی‌شد، امکان توفیق یافتن در کار ملی کردن صنعت نفت جنوب بسیار ضعیف بود.

مصدق می‌دانست که با هیچ بهانه‌ای نمی‌توان شوروی را از گرفتن امتیاز منصرف کرد و روسها تا زمانی که امتیاز را به دست نیاورند مشکل نیروهایشان را بیرون خواهند برد. بنابراین می‌بایست امید آن‌ها را قطع می‌کرد. برای این کار هیچ اقدامی فراگیرتر و جامع‌تر از طرح دوفوریتی او نبود. با جرأت می‌توان گفت که مصدق با عنوان کردن آن طرح همزمان سه امر را مورد توجه داشت:

- ۱- پایان بخشیدن به دوران اشغال ایران از سوی ارتش شوروی و قطع همیشگی سلطه آنها بر نواحی شمالی ایران و نفت خوریان.
- ۲- بستن راه بر آمریکا و انگلیس و دیگر تراست‌های نفتی جهان در گرفتن امتیاز از ایران.
- ۳- آماده ساختن زمینه برای پایان بخشیدن به امتیاز نفت جنوب و بهره‌برداری انگلیس.

خیلی از ناشدنی‌ها را شدنی بسازد. برای کسانی که سرسپرده بیگانه‌اند حرکتی ورای خواست و تمایل صاحبان قدرت ناشدنی به نظر می‌رسد ولی کسانی که ملت خویش را باور دارند و قادر به ارزیابی اوضاع هستند می‌دانند که می‌توان به بسیاری از خواستها دسترسی یافت.

دکتر مصدق که هدفش به خویشتن آوردن ملت ایران و خودباور داشتن او بود، هوشمندانه طرح خود را عنوان کرد. او می‌دانست که در برابر پافشاری روسها می‌توان آمریکا و انگلیس را از گرفتن امتیاز منصرف ساخت. ولی این یک درمان موقت خواهد بود. بنابراین لازم بود تا پیش از آن که این هر سه قدرت فرصت زمینه سازیهای لازم را بدست آورند، اصل واگذاری

زیرنویسها

- ۱- روزنامه آذیر به مدیریت پیشه‌وری بنیانگذار فرقه دمکرات، چهارم آبان ۱۳۲۳
- ۲- از مذاکرات مجلس شورای ملی در هفتم آبان ماه ۱۳۲۳ به نقل از صفحه ۳۷ و ۳۸ جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران.
- ۳- مردم برای روشنفکران، شماره ۱۲ به تاریخ ۱۹ آبان ماه ۱۳۲۳
- ۴- مذاکرات روز ۱۱ آذر ۱۳۲۳ مجلس شورای ملی به نقل از صفحه ۴۰ جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران.